



افتتاح دفتر ناتو در کویت

گروه مطالعات بین الملل

اشاره:

روز ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ (۵ بهمن ماه سال جاری) نخستین دفتر منطقه‌ای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در منطقه خلیج فارس و در کشور کویت افتتاح شد. افتتاح این دفتر در ادامه برنامه موسوم به «بتکار همکاری استانبول» صورت گرفته است. فارغ از مواضع و سخنانی که به طور رسمی و در حاشیه مراسم گشایش این دفتر بیان شد، نگاه‌ها بلافاصله به کارکرد این دفتر معطوف می‌شود. با توجه به اینکه ایران، قدرت اول منطقه خلیج فارس محسوب می‌گردد و همین طور در منطقه خاورمیانه، تعیین کننده‌ترین بازیگر درون منطقه‌ای به شمار می‌رود، این گمان پدید می‌آید که آماج فعالیت این دفتر، معطوف به هدفی جز ایران نخواهد بود. با این حال گشایش دفتر مزبور در شرایطی اتفاق افتاده است که هرگونه نتیجه‌گیری و برآوردی از تأثیرات آن بر ایران در آینده، با ابهام روبه‌رو است.

مقدمه

لزوم همکاری بیشتر میان ناتو و کشورهای خلیج فارس برای مقابله با تروریسم سخن گفت. او تروریسم، اشاعه تسلیحات، حملات سایبری و دفاع از صلح و ثبات را مسائل عمده و مشترک میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس معرفی کرد. آموزش نیروهای نظامی عراق برای مبارزه با داعش (که دبیرکل ناتو اقرار کرده است تعداد زیادی از آنان در اردن تحت آموزش ناتو بوده‌اند!) و حمایت مستقیم از ائتلاف آمریکا در نبرد با این گروه، از سوی دبیرکل ناتو نشانه تعهد و اقدام عملی به حفظ ثبات در منطقه معرفی شد. البته استولتنبرگ، یک نکته اساسی را هم از خلال این تعارفات تصریح کرد بر مبنای اینکه افتتاح دفتر منطقه‌ای ناتو نه نشانه همکاری تمام عیار نظامی میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس است و نه ضمانتی برای امنیت دسته‌جمعی بلکه تنها وسیله‌ای برای بسط همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه تهدیدات مشترک مانند تروریسم، امنیت منابع نفتی، امنیت سایبری، مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی و امنیت مسیرهای دریایی در برابر دزدی دریایی و خرابکاری است. نخست‌وزیر کویت هم با تأیید تلویحی این نکته، تصریح

گشایش دفتر منطقه‌ای ناتو در کویت، با حضور مقاماتی در عالی‌ترین سطح دیپلماتیک و نظامی صورت گرفت. دبیرکل ناتو یونس استولتنبرگ از سوی نخست‌وزیر و وزیر خارجه کویت، وزیر خارجه بحرین و عبدالطیف الزیانی، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس و کثیری از مقامات نظامی و سیاسی دیگر در مراسم گشایش دفتر مزبور همراهی می‌شد. در مراسم گشایش این دفتر، سخنان پرطمطراقی از سوی حضار ایراد گردید: دبیرکل ناتو، دفتر مزبور را کانون حیاتی همکاری میان ناتو و شرکای آن در خلیج فارس خواند و بر

1. Regional Center
2. The Istanbul Cooperation Initiative (ICI)



کرده است که گشایش این دفتر تنها سکویی برای همکاری‌های بیشتر خواهد بود.

ابتکار همکاری استانبول و شرایط زمانی مطرح شدن آن

افتتاح دفتر ناتو در کویت در ادامه «ابتکار همکاری استانبول» صورت گرفت. البته این اتفاق بسیار دیر و پس از قریب به سیزده سال رخ داد. ابتکار همکاری استانبول در سال ۲۰۰۴ قصد داشت تا همکاری‌های امنیتی اعضای ناتو با کشورهای حاشیه خلیج فارس را ارتقا دهد. اینکه در آن زمان، کویت، قطر، امارات متحده عربی و بحرین به این ابتکار پیوستند اما عربستان سعودی و عمان از همراهی با آن خودداری کردند، تا حد زیادی برآمده از مناسبات و محاسبات موجود در روابط میان کشورهای حاشیه خلیج فارس بود. در آن دوره و تاددهای بعد از آن، در قطر، امیر حمد بن خلیفه آل ثانی، به چالشی عمده برای عربستان سعودی بدل شده بود. حمد بن خلیفه، علاوه بر ایجاد انقلاب اقتصادی در قطر^۱ سیاست خارجی خود را بر پایه رقابت با عربستان و به چالش کشیدن هژمونی آن در شورای همکاری‌های خلیج فارس و اتحادیه عرب قرار داده بود. حمد با یارگیری‌های منطقه‌ای، نزدیک شدن به ایران^۲ و در عین حال برقراری روابط بسیار نزدیک با آمریکا (در اختیار قراردادن پایگاه هوایی العدید که بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در خاورمیانه است)، میانجی‌گری در حوزه‌هایی که سعودی آن را حوزه‌های انحصاری خود تلقی می‌کرد (مانند یمن، لبنان و صلح فلسطین و اسرائیل و مسائل دیگر درونی در اتحادیه عرب و شورای همکاری)، دیپلماسی رسانه‌ای با استفاده از شبکه الجزیره (حمله و نقد تند خاندان سعودی در شبکه) و گردن نهادن به حکمیت سعودی در اختلافات خود با بحرین، دیپلماسی هیبریدی^۳ را در پیش گرفت تا به وسیله آن، خود را به عنوان کشور دارای برند^۴ «حلال مشکلات خاورمیانه» به جهان و به ویژه قدرت‌های بزرگ معرفی کند. به ناگاه، عربستان که تا آن زمان، محل رجوع اصلی برای حل همه

مشکلات منطقه‌ای پنداشته می‌شد با رقیبی مواجه شد که برای خودنمایی به خصوص در برابر قدرت‌های بزرگ جهت نشان دادن نفوذ و تأثیرگذاری خود بی‌تاب بود. ابتکار همکاری استانبول نیز تا حد زیادی با هدایت قطر که از قضا همراهی برخی دولت‌های دیگر خلیج فارس را به دست آورده بود، صورت گرفت: کویت و امارات متحده عربی، با از میان رفتن خطر صدام و نیز با وضعیت تثبیت یافته‌تری که نسبت به زمان بحران کویت در ۱۹۹۰ داشتند، استقلال عمل بیشتری در برابر سلطه‌جویی و تحکم عربستان جستجو می‌کردند. روی آوردن عربستان به ناتو و از مجرای خارج از نیروی «سپر جزیره» آشکارا دهن کجی به سعودی محسوب می‌شد. آن ابتکار که بیشتر مانوری سیاسی بود، چون فوریتی امنیتی نداشت برای مدت‌ها مسکوت ماند. متعاقب بهار عربی، پس از مدتی تنش در روابط سعودی و قطر، که دو کشور را تا سر حد قطع رابطه به پیش برد، تحولی عمده در روابط میان دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس رخ داد. وحشت و اضطراب ناشی از بهار عربی و بی‌ثباتی‌های پدیدآمده از جانب آن در بحرین و یمن، فعال شدن جریان‌های اسلام‌گرای سنی و نیز حضور قدرتمند ایران در سراسر منطقه (از عراق تا سوریه) سبب شد تا پادشاهی‌های خلیج فارس، دوباره گرد عربستان سعودی مجتمع شوند و هژمونی نسبی آن را مورد قبول قرار دهند. بحران در روابط ریاض-دوحه به این شیوه مرتفع شد؛ تغییر امیر قطر هم در تحقق این روند بسیار مؤثر بود.

بیانیه‌های رسمی ناتو، حوزه همکاری‌های ابتکار استانبول را به صورتی مضیق و بسیار

۱. حمد تولید نفت قطر را دو برابر کرد و درآمد این کشور از صادرات گاز را از صفر به میزان دو برابر درآمد نفتی آن رساند. این به جز سرمایه‌گذاری‌های عظیم سودآوری بود که در خارج کرد و سود آن به صورت سیل آسا توان اقتصادی قطر را افزایش داد.
۲. قطر در زمانی که عضو شورای امنیت بود به قطعنامه‌های ضد ایران در شورای امنیت رای منفی داد. در جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل با حزب الله نیز مواضع ضد اسرائیلی و در حمایت از لبنان اتخاذ کرد. همین طور قطر، دفتر حماس را در پایتختش گشود. مجموعه این اقدامات خشم اسرائیل نسبت به دولت قطر را به شدت برانگیخت.

3. hybrid diplomacy
4. Brand

را رها خواهد کرد؛ مگر آنکه اعضا، سهم دفاعی خود را به این پیمان ادا کنند. واهمه از خروج آمریکا از ناتو که می‌توان آن را به منزله انحلال عملی این سازمان دانست، تا حدی جدی بود که سران بسیاری از دولت‌ها به تحرک جدی افتادند تا وقوع چنین اتفاقی را مانع شوند. البته آمریکا هم به سرعت بر تعهد قاطع خود در حفظ ناتو تأکید کرده است. وزیر دفاع آمریکا تهدید کرده است که اگر اعضای ناتو، سهم خود از هزینه‌های نظامی این سازمان را افزایش ندهند، آمریکا تعهدات خود در قبال ناتو را کاهش خواهد داد. در چنین شرایطی بسط هرگونه مسئولیت و حوزه عملیاتی از جانب ناتو، بعید به نظر می‌رسد. اعضای ناتو به جز دو کشور کانادا و آمریکا، همگی اروپایی هستند؛ وضعیت مالی دولت‌ها در اروپا گرچه نسبت به سال‌های بحران ۲۰۰۹ بهبود بیشتری یافته، اما هنوز متزلزل و انباشته از کسری و بدهی است. پول بیشتر برای هزینه‌های نظامی یا وجود ندارد یا اگر بخواهد صرف شود، با مخالفت گسترده داخلی مواجه خواهد شد. برای مثال بسیاری از اعضای کوچک ناتو (مانند دانمارک، بلژیک، کرواسی، بلغارستان، اسلواکی) برای تعویض تسلیحات قدیمی خود به ویژه جنگنده‌های نیروی هوایی، پولی برای صرف کردن ندارند و دائماً اجرای این برنامه‌های تسلیحاتی پرهزینه را به تعویق می‌اندازند.

از این گذشته، تهدید اصلی که این کشورها فراروی خود می‌بینند نه خاورمیانه، بلکه روسیه است. خاورمیانه برای اروپا به واسطه تروریسم و امواج پناهجویان تهدید است اما خصلت نظامی مستقیم مانند تهدید روسیه را ندارد. الحاق کریمه به خاک روسیه و حضور نظامی مسکو در شرق اوکراین، این خطر را در میان کشورهای اروپایی پدید آورده است که روسیه در گام بعدی، نقشه‌ای مشابه اوکراین را در سه کشور حاشیه بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) اجرا کند: در این وضعیت که ناتو نیروهای نظامی زمینی را به طرزی بی‌سابقه از زمان جنگ سرد تا کنون در شرق اروپا مستقر کرده است، قطعاً خلیج فارس در اولویت قرار نخواهد داشت. این نکته، مجزا از این مسئله است که پس از کاهش قیمت جهانی نفت در چند سال گذشته و نیز افزایش تولید نفت در نقاطی جز خلیج فارس، ضریب اهمیت این منطقه برای اروپا نیز کاهش یافته است.

همچنین، اعضای از ناتو که اراده و توانایی حضور نظامی خارج از مرزهای اروپا-آتلانتیک به عنوان حوزه اصلی عمل ناتو

کلی معرفی می‌کند. مشاوره درمورد بودجه و طرح‌های نظامی، تحول در توان نظامی، تحول در روابط میان نظامیان و غیرنظامیان، کمک به همکاری‌های نظامی از طریق برگزاری مانورهای نظامی، برنامه‌های آموزشی و تمرین برای انجام عملیات مشترک با نیروهای ناتو، همکاری برای مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، امنیت مرزها، مقابله با قاچاق مواد مخدر، سلاح و انسان و مقابله با بلایای طبیعی، ظاهراً از «بی‌ضرربودن» این همکاری خبر می‌دهد و تأکید می‌کند که ابتکار استانبول تهدید علیه هیچ کشوری نیست. اما اکنون که روابط ایران و کشورهای عرب خلیج فارس، در اوج تنش قرار دارد، رئیس جمهوری در آمریکا بر سر کار آمده که آشکارا ایران را تهدید می‌کند و کشورهای حاشیه خلیج فارس هم در هماهنگی مطلوبی با هم قرار دارند، افتتاح دفتر مزبور می‌تواند حاکی از برنامه‌هایی احتمالی برای آینده باشد.

ایران و ناتو در خلیج فارس در آینه وضعیت کنونی

ایران هیچ‌گاه از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس خوشنود نبوده است. این حضور، در دهه ۱۹۸۰ به درگیری‌های نظامی تمام عیار منتهی شد که خساراتی جدی بر ایران تحمیل کرد اما اینکه ایران از گشایش دفتر ناتو در کویت باید احساس خطر کند، چندان موجه به نظر نمی‌رسد. هم‌اکنون ناتو در بحرانی عمیق به سر می‌برد که به نظر می‌رسد از زمان تاسیس آن تاکنون بی‌سابقه بوده است. رکن اصلی ناتو، یعنی ایالات متحده آمریکا آشکارا اعضای ناتو را تهدید کرده است که این سازمان



و توجه اعضای ناتو خواهد بود: آمریکا در نگاه خود به خاورمیانه دگرگونی بنیادی ایجاد کرده است و به شرق آسیا توجه بیشتری نشان داده است. در حال حاضر بر خلاف چند دهه اخیر، در خلیج فارس و کلاً خاورمیانه، هیچ ناو هواپیمابر آمریکایی حضور ندارد؛ ترکیه در باتلاق جنگ داخلی و مداخله خود در سوریه قرار دارد؛ فرانسه نیروی عمده خود را صرف آفریقا (مالی و آفریقای مرکزی) کرده است؛ کنترل آب‌های مدیترانه دستور کار اصلی نیروهای دریایی ناتو است و اعضای دیگر ناتو هم در صرف هر هزینه دفاعی، کند و با تردید عمل می‌کنند. در یک کلام، خلیج فارس، به خصوص اکنون که نفت ارزان و فراوان شده، آن اهمیت گذشته را برای ناتو ندارد. به علاوه، زیرساخت‌های ارتباطی مورد نیاز اعضای ناتو که اراده و توان حضور در خلیج فارس را دارند، از پیش برای آنها مهیا بوده و این دفتر کار کرد چندانی برای آنها نخواهد داشت. ابتکار دفاعی استانبول، در زمان خود عمدتاً به سبب تحركات قطر برای رقابت با سعودی شکل گرفته بود؛ به همین سبب هم سعودی مشارکت و تمایلی به حضور در آن نداشت. از این رو افتتاح دفتر منطقه‌ای ناتو در کویت، پس از قریب به ۱۳ سال، در موقعیت کنونی و با این شرایط، اقدامی عمدتاً تبلیغاتی و اداری است تا عملی که آثار نظامی و امنیتی دربر داشته باشد.

را دارند، خود دارای پایگاه نظامی و حضور مؤثر در خلیج فارس بوده‌اند. آمریکا با دو پایگاه عظیم در قطر و بحرین و انبوهی از پایگاه‌های کوچک در نقاط دیگر پیرامون خلیج فارس و نیز روابط منظم و نزدیک نظامی با کشورهای این منطقه، بی‌نیاز از کارکرد دفتر مزبور است. فرانسه در امارات متحده عربی دارای پایگاه نظامی است و بریتانیا نیز به تازگی پایگاه نظامی در بحرین گشوده است. اعضای کوچک ناتو نیز که در عملیات نظامی مشارکت می‌کنند، تاکنون به دنبال حضور مستقل بیرون از مرزهای سنتی ناتو نبوده‌اند. بنابراین، دفتر ناتو در خلیج فارس، در عمل نیز، در چارچوب همان اهداف رسمی اعلام شده از جانب ناتو، عمل خواهد کرد؛ حضوری که تأثیر نظامی خصمانه نخواهد داشت؛ اما از نظر تبادل اطلاعات، آموزش، فروش تسلیحات و هماهنگی مؤثر خواهد بود. توجه به این نکته نیز ضروری است که از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، اقدامات نمایشی بسیاری را شاهد بوده‌ایم که در عمل اثری در بر نداشته‌اند. برای مثال، ماه‌ها پیش، عربستان سعودی اعلام کرد به زودی عملیات گسترده‌ای علیه داعش در خاک سوریه انجام خواهد داد که در آن کشورهای دیگر هم مشارکت خواهند کرد. حتی تعدادی از هواپیماهای جنگی سعودی در ترکیه مستقر شدند اما آن سخنان و اقدامات صرفاً مانوری تبلیغاتی بود. چنین اقداماتی هرچند از نظر تبلیغاتی می‌توانند مؤثر باشند اما بعید است در عمل اثر چندانی ایجاد کنند. افتتاح دفتر ناتو در کویت آن هم پس از نزدیک به ۱۳ سال از ابتکار استانبول را باید در زمره همین اقدامات تبلیغاتی به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

افتتاح دفتر منطقه‌ای ناتو در کویت با توجه به تشریفات که در مراسم گشایش آن رعایت شد، رویدادی سیاسی-امنیتی در سطح بالا تلقی می‌شود اما پیامدهای آن بر امنیت و منافع ایران، تأثیری فوری یا درازدامنه دربر نخواهد داشت. ناتو در بحران درونی ناشی از اختلاف بر سر هزینه‌های دفاعی قرار دارد. مسئله اصلی اعضای ناتو در برهه کنونی نه خلیج فارس که روسیه، اوکراین و حفاظت از شرق اروپا در برابر توسعه‌طلبی احتمالی مسکو است. اغلب ارتش‌های عضو ناتو، از تجهیزات قدیمی و نیازمند جایگزینی در رنج هستند و اقتصادهای ملی‌شان نیز توان برای احیای نظامی گسترده را ندارد. از این گذشته، به جز روسیه، مسائل مهم دیگری هم وجود دارد که محل تمرکز

